روزنامه شرق

هدیه ویژه نمایشگاه سنگ‌های تزئینی و مصالح ساختمانی

۳۲ صفحه

سال سوم ■ شماره ۷۸۶ ■ یکشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۵ ■ ۲۱ جمادی الاول ۱۴۲۷ ■ ۱۸ ژوئن ۲۰۰۶

۳۲ صفحه ■ به همراه ۱۶ صفحه نیازمندی‌های شرق ویژه استان تهران ■ ۱۵۰ تومان

یک سال پس از ۲۷ خرداد

گفت‌وگوی شرق با بهزاد نبوی

او را چریک پیر لقب داده‌اند. مرد ۶۵ ساله‌ای که هنوز دلمشغولی‌اش «اصلاحات» است. می‌گوید «تفکر اصلاحی» زنده است. می‌گویم پس چه اصراری دارید که دوباره به حاکمیت برگردید. مفصل توضیح می‌دهد که جواب صریحش را در لابه‌لای کلمات گم کند و پاسخی به صراحت نداده باشد. بهزاد نبوی همیشه مرد جنجال برانگیزی بوده و همیشه در پرده سخنانش و رفتارش جذاب است. این مصاحبه با مشقت تهیه شده. او قیچی سانسور خود را بر روی... صفحه ۳

کبری رحمانپور در آستانه قصاص

«دیگر خسته شده‌ام، بین مرگ و زندگی دست و پا می‌زنم و هنوز تکلیفم روشن نشده است.» این حرف‌های کبری رحمانپور معروف به عروس سیاه‌بخت است که از سال ۷۹ به اتهام قتل مادرشوهر پیرش در زندان به سر می‌برد. کبری چندین‌بار در یک قدمی مرگ قرار گرفت اما گویا همه شرایط دست به دست هم داد تا زندگی را به این عروس سیاه‌بخت برگرداند. پرونده کبری اکنون روی میز آیت‌الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه قرار دارد... صفحه ۲۷

خداحافظ جام جهانی

عکس AFP

شرق، علی فولادی-آلمان: تمام بازیکنانی که روز هفدهم ژوئن در فرانکفورت با پیراهن سفید تیم ملی ایران به میدان رفتند، از جان مایه گذاشتند، اما این فداکاری‌ها برای بردن تیمی مثل پرتغال کافی نبود. شاید اگر کادر فنی تیم ملی ما به اندازه بازیکنان کیفیت مورد نیاز بازی‌های جام‌جهانی را داشت ما می‌توانستیم در نیمه دوم نیز دوام بیاوریم. شکست صفر-۲ برابر پرتغال همانند شکست قبلی در نیمه دوم در نیمه مربیان اتفاق افتاد. اسکولاری با بردن فیگو و رونالدو به کناره‌های لب خط از شروع نیمه دوم تلاش کرد خط دفاعی ما را از هم باز کند که در این امر موفق هم بود. گل اول آنها در دقیقه ۶۳ با حرکت عرضی فیگو از سمت چپ به میانه میدان پایه‌گذاری شد که پاس او را دکو با ضربه روی پا به تور دروازه ما رساند. در این صحنه ابراهیم میرزاپور نتوانست واکنشی نشان بدهد. دروازه‌بانی که تا پیش از این گل نمایشی دلنشین داشت و تا حدودی اطمینان تماشاگران ایرانی که اغلب جایگاه‌های ورزشگاه ۴۵هزار نفری فرانکفورت را اشغال کرده بودند به دست آورده بود. دروازه‌بان تیم ملی فوتبال ایران پیشتر روی ضربات دکو و میگل عکس‌العمل‌های خوبی داشت و حتی به غیر از یک بار که باز هم به هنگام استفاده از پا، دل همه را لرزاند، در لحظات شروع مجدد بد کار نکرد. به گونه‌ای که حتی پس از شوت اولش، هر چهار مدافع ما برای اینکه به او روحیه بدهند ناخودآگاه روی برگرداندند و برایش کف زدند!

گل دوم پرتغالی‌ها اما از روی نقطه پنالتی حاصل شد. کریستیانو رونالدو که در کل بازی خط دفاعی ایران را به‌شدت آزار داده بود پشت توپ قرار گرفت و ضربه‌اش را با شدت و دقت کافی به بالای دروازه زد تا تمام ایرانی‌هایی که نسبت به بازی قبلی متحدتر شده بودند، شکست را پذیرا شوند. این گل در دقیقه ۸۰ به ثبت رسید و ما در این دقیقه با جام‌جهانی ۲۰۰۶ آلمان خداحافظی کردیم. این پنالتی نیز البته نتیجه خطای یحیی گل‌محمدی بر روی فیگو بود. کاپیتان تیم ملی پرتغال که در کل مسابقه شش بار با خطا متوقف شده بود، این مرتبه هم با تکل یحیی نقش بر زمین شد تا این بار اریک پولا داور فرانسوی مسابقه نقطه پنالتی را نشان دهد. یحیی گل‌محمدی در عین حال کاپیتان ما در این بازی بود. یار قدیمی دایی که روی نیمکت نشسته بود، در حالی بازوبند را بر دست داشت که مثل رحمان رضایی و حسین کعبی در کل بازی فراتر از انتظار ظاهر شد. او حتی در دقیقه ۷۱ با پاس بلند خود که به‌خوبی پشت خط دفاعی پرتغال فرود آمد، رسول خطیبی را صاحب فرصتی ایده‌آل کرد. اما بازیکن شماره یازده ما بعد از تعللی بی‌جا، توپ را با پای چپ به خارج زد تا خبرنگارانی که با فریاد «یازهرا» از جا کنده شده بودند آرام بگیرند... خطیبی اما جدا از این بی‌دقتی مثل سایر بازیکنان تقلای زیادی داشت، ولی بی‌تجربگی ناشی از به بازی گرفته نشدن در بازی‌های قبلی، آن برندگی لازم را از او دریغ کرده بود. شاید اگر پیشتر برانکو و همکارانش مجال بیشتری برای او در مسابقات پیشین قائل بودند، او بهتر از آنچه که دیدیم، نشان می‌داد. این برندگی البته در وحید هاشمیان نیز دیده نمی‌شد. او در تمام طول مسابقه دوید و با حریف درگیر شد ولی از آن وحید گلزن که ما نیاز داشتیم فاصله زیادی داشت. وحید دقیقاً در لحظه قبل از وقوع پنالتی سانتر عالی فریدون زندی را با ضربه سر به سمت دروازه‌بان پرتغال ریکاردو فرستاد که ضربه نه‌چندان محکمش راهی به دروازه نیافت. به غیر از این مورد وحید هاشمیان در کل بازی توپ‌های زیادی را به حریف سپرد و عدم خونسردی و فقدان تکنیک لازم باعث می‌شد بارها توپ‌هایش از دست برود. با این وجود نمی‌توان منکر شد وحید برابر پرتغالی‌ها بسیار زحمت کشید و جنب و جوش زیادی داشت. این بازیکن البته تنها لژیونر ما نبود که طبق انتظار بازی نکرد. کریمی و مهدوی‌کیا نیز روز چندان خوبی را تجربه نکردند و در مواقعی که ما صاحب توپ بودیم توانایی لازم را برای این که به تنهایی کارها را پیش ببرند نداشتند. چنین شد که ما فقط در ۳۷ درصد از زمان بازی توپ را در اختیار گرفتیم و از تدارک حملات ادامه‌دار بازماندیم. این درحالی بود که پیش از شروع رقابت‌ها برخی انتظار داشتند تیم ملی به لطف حرکات انفرادی کریمی، مهدی و قدرت تمام‌کنندگی هاشمیان نتایج خوبی بگیرد. همان‌طور که در جام ملت‌های آسیا در چین رخ داده بود. جام‌جهانی اما جام ملت‌های آسیا نبود.

این فشار عجیب ورزشگاه‌ها و سطح بالای مسابقات حتی اجازه نداد علی کریمی همان جادوگری باشد که ما به جادویش دلخوش بودیم. به همین‌خاطر نیز در دقیقه ۶۴ جادوگر کلافه ما از زمین بیرون کشیده شد تا او به هنگام بیرون آمدن از زمین با لگد زدن به بسته پزشکی خشم خود را هم از بابت بازی بدش و هم از بابت تعویض غیرمنتظره‌اش عیان کند. او که بیرون آمد ایرانی‌ها مطمئن شدند این نتیجه برگشت‌پذیر نیست. تماشاگران ایرانی در طول مسابقه چندان موفق نشدند همپای پرتغالی‌های اندک حاضر در استادیوم تیم خود را تشویق کنند، ولی در کل دقایق پیش از بازی و در شب پیش از آن این میل شدید به کسب نتیجه‌ای آبرومند از نگاه‌های پرتمنای‌شان آشکار بود. در آستانه شروع بازی نیز این پرچم سه‌رنگ ایران بود که در تمام استادیوم دیده می‌شد، ولی متاسفانه آرزوی آنها محقق نشد. با این وجود تماشاچی‌های خونگرم ما نسبت به بازی قبل پیشرفت زیادی کرده بودند و ما به لطف آنها فارغ از این شکست وارد جشن بزرگ جام‌جهانی شدیم. اتفاقی که باید خیلی زودتر رخ می‌داد. شاید اگر کادر فنی ما در حدی بود که باید، این روند باز هم ادامه می‌یافت. مشکلات ما در این مسابقه همان نکاتی بود که طی یکی دو سال گذشته روزنامه‌های ورزشی ما پیوسته اشاره داشتند. مواردی بدیهی از سوی روزنامه‌نگارانی که همیشه به عیب‌جویی‌های مبتدیانه متهم می‌شدند ولی همین موارد به ظاهر ساده در کل این بازی نفس ما را برید. سمت چپ ما با وجود دوندگی‌های معدنچی که به نصرتی کمک زیادی کرد، نقطه شروع حملات خطرناک پرتغال بود. این دو خیلی تلاش کردند تا از قدرت پرتغال در این قسمت کاسته شود همان‌طور که در آن سوی میدان کعبی و مهدی نیز چنین می‌کردند. ایرانی‌های حاضر در استادیوم متوجه این تلاش شده بودند و در دقایقی نیز به شدت با فریادهای «مهدی... مهدی» و «کعبی... کعبی» از آنها تمجید کردند، ولی این فداکاری‌ها برای بردن تیمی مثل پرتغال کافی نبود.

■ حاشیه‌های پس از شکست

گروه ورزش، آرش راهبر-فرانکفورت: ۱۳ کرنر برابر یک کرنر و ده ضربه داخل چارچوب مقابل تنها یک ضربه داخل چارچوب. آمار هم نشان می‌دهد که رویارویی پرتغال و ایران یک جدال نابرابر بوده و ایران مقابل حریف قدرتمند خود حرف چندانی برای گفتن نداشته. بازیکنان و تمامی اعضای تیم ملی ایران نیز پس از مسابقه به این واقعیت اعتراف کردند و به راحتی با باخت کنار آمدند. حتی ایرانی‌هایی که در ورزشگاه جام‌جهانی فرانکفورت اکثریت را تشکیل می‌دادند پس از سوت پایان مسابقه حالت یک شکست‌خورده را نداشته و ناراحت نبودند. پس از پایان مسابقه چندی از بازیکنان ایران با آرامش به سالن کنفرانس خبری آمدند و از باخت برابر پرتغال گفتند. اولین آنها وحید هاشمیان بود که با آرامش قابل توجهی صحبت‌هایش را شروع کرد: «این باخت دقیقاً فاصله ما با فوتبال جهان را مشخص کرد. حق پرتغال برد بود ما باید مکزیک را می‌بردیم که نشد. به نظر من ما از نظر بدنی هم در این مسابقات کم آوردیم.» هاشمیان برانکو را چندان در این ناکامی مقصر نمی‌داند: «برانکو فقط سه هفته بازیکنان را در اختیار داشت و در این مهلت نمی‌توانست معجزه کند. ما از لیگ‌مان ضربه خوردیم.» مهاجم شماره ۹ ایران که در این بازی علی دایی را در کنار خود نمی‌دید از هم‌بازی‌اش هم دفاع کرد: «دایی بازیکن خوبی است نباید بدین شکل با او برخورد کرد، نباید فراموش کنیم که او بارها سلامتی‌اش را برای تیم ملی ایران به خطر انداخته است.» فریدون زندی، مهدی مهدوی‌کیا و دیگر ملی‌پوشان ایرانی هم که در سالن کنفرانس حاضر شدند عنوان کردند پرتغال تیم سرتر بوده و ایران شانسی برای نتیجه‌گیری نداشت. مهدوی‌کیا که یکی از باتجربه‌های ایران است در این باره گفت: «پرتغال خیلی خوب بازی کرد و ما نتوانستیم حریف آنها بشویم نمی‌توانستیم جلوی آن دو گلی را هم که خوردیم بگیریم. اولی شوتی بود که کمتر بازیکنی می‌توانست به آن شکل روانه دروازه کند و هیچ دروازه‌بانی هم نمی‌توانست آن را مهار کند و گل دوم هم که پنالتی بود.» مهدوی‌کیا در پاسخ به این سئوال که چرا در این بازی از فرارهای همیشگی‌اش خبری نبود توضیح داد: «آنها چندین هافبک نفوذی داشتند و شرایط بازی به گونه‌ای بود که من باید اکثراً در دفاع شرکت می‌کردم.» دست‌اندرکاران تیم هم مثل بازیکنان به راحتی با حذف از جام‌جهانی کنار آمدند. محمد دادکان و همایون شاهرخی ترجیح دادند در کنار تیم باقی بمانند و پس از بازی در جمع خبرنگاران حاضر نشدند اما برانکو در کنفرانس خبری پس از بازی گفت: «بعد از نیمه اول سعی کردیم بازی را تهاجمی‌تر کنیم. ما از شانس زیادی برای زدن گل برخوردار بودیم اما تیم ملی پرتغال از قدرت بیشتری برخوردار بود و با تاکتیک و تکنیک بهتر بر ما غلبه کرد. آنها پیروز شدند، چرا که از ما برتر بودند و برنامه آماده‌سازی بهتری داشتند.» البته شکست ایران برابر پرتغال چندان هم بدون پیامد نبود. علی کریمی که از تعویض خود حسابی عصبانی شده بود در هنگام تعویض خود در جلوی نیمکت ذخیره به یک ساک ورزشی ضربه زد و آن را به هوا فرستاد تا از این طریق نارضایتی خود را نشان دهد و این مسئله یک بار دیگر رابطه نه‌چندان محترمانه کادر فنی و ستاره تیم ملی ایران را نشان داد. دیروز در فرانکفورت شایعه شده بود که کریمی در بازی بعدی نیمکت‌نشین خواهد شد. همچنین یحیی گل‌محمدی به‌شدت از ناحیه کتف آسیب دیده و در حالی که روی ویلچر نشسته بود راهی بیمارستان شد. در کنار این دو غایب احتمالی ایران در بازی برابر آنگولا، باید از جواد نکونام دواخطاره نیز نام برد و ایران باید در غیاب دو یا سه بازیکن کلیدی خود برای اعاده حیثیت به مصاف آنگولا برود.

■ درخشش ستاره‌های سیاه

در دومین بازی دیشب، تیم ملی فوتبال غنا (ملقب به ستاره‌های سیاه) با ارائه نمایشی درخشان تیم ملی چک را ۲-۰ شکست داد تا مدعی صعود از گروه پنجم پیکارهای جام‌جهانی ۲۰۰۶ شود. غنا گل‌های خود را در این مسابقه توسط گیان آساموا و سالی مونتاری به ثمر رساند و اگر «پتر چک» دروازه‌بان مشهور تیم ملی چک نمی‌درخشید و چند فرصت عالی و تک به تک را از حریف نمی‌گرفت و چنانچه غنایی‌ها یک ضربه پنالتی را به هدر نمی‌دادند، باخت چکی‌ها سنگین‌تر و پیروزی غنا بسیار قاطع‌تر و شیرین‌تر می‌شد. چک در حالی تن به این شکست داد که در بازی اول خود آمریکا را ۰-۳ در هم کوبیده و در حد یک مدعی جدی جلوه کرده بود. در همان مرحله، غنا با نتیجه ۲-۰ تسلیم ایتالیا شده بود و در نتیجه این باور به وجود آمده بود که این تیم آفریقایی از حذف شده‌های مرحله نخست خواهد بود. با این حال دیدار دیشب تمام معادلات را در ارتباط با تیم شایسته غنا عوض کرد و این نکته را به اثبات رساند که تیم راتومیر دویکوویچ می‌تواند از گروهش بالا آید. هرچند این تیم اینک ۳ امتیازی است و این برابر با امتیازات چک است. با این حساب سرنوشت این گروه صرفنظر از دیدار دیر وقت دیشب (بین ایتالیا و آمریکا) به دور آخر وابسته شد که طی آن غنا روبه‌روی آمریکا قرار می‌گیرد و ایتالیا در مقابل چک صف‌آرایی خواهد کرد. شاید اخراج اویفالوژی مدافع چک در دقیقه ۶۵ سهم مهمی در تثبیت شکست این تیم و پیروزی سزاوارانه غنایی‌ها داشت. پس از آن میدان‌داری غنا بیشتر و حملات این تیم پرشمارتر شد و بارها «چک» به نجات تیمش آمد و باعث شد تیم کارل بروکنر گل‌های بیشتری را نخورد اما حتی پترچک هم نتوانست مانع شوت عالی مونتاری در ۱۵ دقیقه پایانی بازی شود و این گل نشانه کمال کار تیم غنا و پایان امیدهای چک بود. در پایان این نمایش پرشکوه، مایکل اسین هافبک محوری تیم غنا به عنوان ستاره مسابقه انتخاب شد و شادی‌های کشورش را بیشتر کرد.

گزارش بازی

پرتغال ۲ - ایران صفر

گل‌ها: دکو ۶۳، کریستیانو رونالدو ۸۰ پنالتی

داور: اریک پولات از فرانسه

اخطار: جواد نکونام، مهرزاد معدنچی، حسین کعبی، یحیی گل‌محمدی (ایران)

پائولتا، دکو، کاشتینیا (پرتغال)

پرتغال: ریکاردو، فرناندو میرا، کاشتینیا، لوئیس فیگو (سیمائو سابروسا ۸۸)، پائولتا، میگوئل، نونو والنته، ریکاردو کاروالیو، کریستیانو رونالدو، مانیش (پتی ۶۷)، دکو (تیاگو ۸۰)

مربی: لوئیس فیلیپه اسکولاری

ایران: ابراهیم میرزاپور، مهدی مهدوی‌کیا، یحیی گل‌محمدی (سهراب بختیاری‌زاده ۸۸)، رحمان رضایی، جواد نکونام، علی کریمی (فریدون زندی ۶۵)، وحید هاشمیان، حسین کعبی، آندرانیک تیموریان، محمد نصرتی، مهرزاد معدنچی (رسول خطیبی ۶۶)

مربی: برانکو ایوانکوویچ

بازی‌های امروز

ژاپن-کرواسی	ساعت ۱۶/۳۰
برزیل-استرالیا	ساعت ۱۹/۳۰
فرانسه-کره‌جنوبی	ساعت ۲۲/۳۰

سرمقاله

خیانت ما

امیر عربی

ما خیانت کرده‌ایم. ما خیانت کرده‌ایم به همه آن بچه‌هایی که فروردین ۸۴ به استادیوم آزادی رفته بودند و با آرزوی حضور ایران در جام‌جهانی تیم ملی را تا پای جان تشویق کرده بودند و همان‌جا مرده بودند و آرزوهایشان را در راهروهای ورزشگاه دفن کرده بودند و به خانه باز نگشته بودند تا ایران را در جام‌جهانی ببینند.

ما خیانت کرده‌ایم به آنها و البته همه ایرانیان. ما می‌دانستیم در این فوتبال چه خبر است و به بهانه حمایت از تیم ملی ننوشتیم. می‌دانستیم از مربی‌ای که در مقابل ضعیف‌ترین تیم‌های آسیا یک گل می‌زند و چهل پنجاه دقیقه دفاع می‌کند، چیزی در نمی‌آید، اما ننوشتیم. نوشتیم اما کم نوشتیم. این آخری‌ها همه‌مان بی‌خیال شده بودیم و عقلمان را به احساسمان فروخته بودیم. راستش اعتقاداتمان را در رویاهایمان غرق کرده بودیم. می‌دانستیم که فلان بازیکن در تمرینات به بهمان بازیکن پاس نمی‌دهد و می‌دانستیم که هر دوی اینها باید در جام‌جهانی کنار هم بازی کنند و نمی‌پرسیدیم آخر بین دو بازیکنی که در تمرینات به هم پاس نمی‌دهند، چگونه هماهنگی به‌وجود می‌آید. ببخشید. از همه شما عذر می‌خواهیم. می‌دانیم که پس از شکست مرثیه‌سرایی کردن هنر نیست. به خدا می‌دانیم که وقتی درخت می‌افتد، تبرزن هم زیاد می‌شود. حالا چه اشکالی دارد که ما هم یکی از آن تبرزنان باشیم؟ آخر چرا نباید از این همه آدم که عاشقانه زل زده بودند به صفحه تلویزیون و دل توی دلشان نبود، بپرسیم: با چه استدلالی منتظر پیروزی ایران بودید؟ می‌خواهیم از تو بپرسیم: مگر مربی تیمت را نمی‌شناختی عزیزم؟ مگر نمی‌دانستی که با یک آدم ترسو طرفی که حتی از سایه‌اش هم می‌ترسد و نامش حتی از نام بازیکنان گمنام ایران هم کوچک‌تر است؟ مگر به این نرسیده بودی که او حتی در بازی با تیم‌های باشگاهی هم علی دایی را نیمکت‌نشین نمی‌کند؟ مگر بازی‌های تیم ملی را ندیده بودی و نفهمیده بودی او طرفدار فوتبال چرک و کثیف است و فوتبال پرشور و اشتیاق ایرانی را دوست ندارد؟ واقعاً چه انتظاری داشتی؟ قرار بود با این مربی و با این همه بازیکن که غرور از سرتا پایشان می‌بارد چه اتفاقی بیفتد؟ ما به تو هم خیانت کرده‌ایم برادر. چند روزی بود که می‌دیدیم فلان ستاره که زیادی احساس جادوگری به او دست داده در تمرینات برای این و آن شاخ و شانه می‌کشد، سینه‌اش را می‌دهد جلو و می‌گوید: «من بازیکن فلان باشگاهم.» اما ببخشید، نمی‌خواستیم جو اردوی تیم ملی را به هم بزنیم و ننوشتیم. ما به رسالت خودمان خوب عمل نکردیم. می‌دانستیم که بین رئیس سازمان ورزش و رئیس فدراسیون فوتبال چه می‌گذرد، اما عکس این دو را چاپ کرده بودیم که همدیگر را بغل کرده بودند و می‌خندیدند. به ما می‌خندیدند. اصلاً برای چه باید می‌بردیم؟ برای این که این دو نفر که مدیریت و تیم ملی و رویاهای ما را فدای جنگ‌های فامیلی خودشان کرده‌اند بیایند جلوی دوربین‌ها ژست بگیرند و موفقیت‌ها را به نام خودشان بزنند؟ شما بگویید: برای چه باید می‌بردیم؟ مربی‌مان از مربی حریف بزرگ‌تر بود؟ بازیکنانمان از بازیکنان حریف بزرگ‌تر بودند؟ اساس و بنیان فوتبال‌مان درست‌تر از پرتغالی‌ها بود؟ لیگمان از لیگ آنها پویاتر بود؟ ستاره‌های‌مان منش ستاره‌های آنها را داشتند؟ آخر دلمان را به چه چیزی خوش کرده بودیم؟

یاد حرف آری هان افتاده‌ایم که می‌گفت ارنست هاپل به ما شخصیت می‌داد و به ما یاد می‌داد که با مردم چگونه برخورد کنیم. کاش حالا که برانکو به بازیکنان ما فوتبال بازی کردن یاد نداده، لااقل به آنها یاد می‌داد که چگونه باید رفتار کنند. اینچنین شاید وقتی آن ستاره به دلیل بازی ضعیفش از زمین بیرون کشیده می‌شد لگد نمی‌زد به ساک کناردست سرمربی. که این لگدی بود به تمام آرزوهای ما.

به خدا باید خجالت بکشیم. کار آنگولا که ما به آن می‌خندیدیم، به دور سوم کشیده شده و ما در همان دور دوم حذف شده‌ایم. حالا هم همه لابد منتظرند که آنگولا را ببریم و دور افتخار بزنیم. راستش ما منتظر چنین بردی نیستیم. می‌خواهیم آرزو کنیم که آنگولا، ایران را ببرد. آنها زحمت کشیده‌اند و ما نکشیده‌ایم. لااقل بلدند که بیایند و در زمین حریف حفظ توپ کنند. ما همین را هم یاد نگرفته‌ایم. فقط بلدیم بزنیم زیرتوپ و آخرش بگوییم با اختلاف دو گل به پرتغال باخته‌ایم. ای کاش فوتبال بازی می‌کردیم و می‌باختیم. دوستان می‌گویند خوب بازی کردیم. کثیف بازی کردن و زیر توپ زدن و خطا کردن و وقت بازی را کشتن، خوب بازی کردن است؟ به آمار بازی نگاه کنید، پرتغال ۱۰ موقعیت گل داشت و ما یک. چه بازی پایاپایی؟!

حالا که داریم اینها را می‌نویسیم، خیلی دیر شده، اما ببخشید، ما هم مثل شما فریب خورده بودیم. شایستگی ما همین بود: باید در دور دوم حذف می‌شدیم که شدیم.

حالا هم با خیال راحت می‌نشینیم و از جام‌جهانی لذت می‌بریم و تیم‌های دوست‌داشتنی‌مان را تشویق می‌کنیم. یکی از این تیم‌های دوست‌داشتنی همین پرتغال است و این خودش حقیقت تلخی است.

انتخاب اول

هرروز شرق همراه روزنامه در استان تهران (از کرج تا فیروزکوه) از روزنامه فروشی‌ها بخواهید

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی

در شهریور ۱۳۸۴ برگسترش دانش و آموزش وقف عام شد

قلم‌چی

ثبت‌نام برای آزمون ورودی: اردیبهشت و خرداد ۸۵ رجوع به صفحه‌ی ۱۱

مجموعه ۳ جلدی کلید صنعت و معدن استان تهران به همراه CD منتشر شد

شامل اطلاعات به روزرسانی شده واحدهای صنعتی و معدنی استان تهران

۸۸۴۵۷۵۹۵ (۲۰ خط)

شرق

از خوانندگان عزیز روزنامه خواهشمندیم انتقادات و پیشنهادهای خود را به منظور بهبود نحوه توزیع روزنامه از طریق تلفن/نمابر

۶۶۹۵۸۶۱۰

با ما در میان بگذارند.